



حجرت ۹۵

راوی می گوید: از امام صادق (ع) درباره سیره و رفتار مهدی پرسیدم که سیره‌اش چگونه است؟ فرمود: رفتاری را انجام می‌دهد که رسول الله (ص) انجام می‌دهد. مسائل پیش از آن را منهدم می‌کند؛ همان‌طور که رسول الله (ص) امر جاهلیت را انجام داد و اسلام را دوباره آغاز می‌کند.

بحار الانوار: ۵۲ ج ۳۰۲

وصیت یون خلد در شب وفات

امام صادق (ع) از پدرانش... از امیرالمؤمنین علی (ع) خبر داد که رسول الله (ص) در شب وفاتش به امام علی (ع) فرمود: ای ابی الحسن کاغذ و دواتی بیاور. رسول الله (ص) وصیتش را به امام علی (ع) املا نمود تا به جایی رسید که فرمود:

یا علی، بعد از من دوازده امام است و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش «محمّد» مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن‌ها دوازده امام هستند و پس از آن‌ها، دوازده مهدی خواهند بود؛ پس «هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می‌نماید. او سه نام دارد؛ نامی مانند نام من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد و اسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است.

ترجمه کتاب غیبت نسخ طبرستان ص ۲۴۰ ج ۱۱۱

عهد رسول الله

در سالروز میلاد محمد حبیب خدا همه ساله در خیر و عافیت باشید اللهم صل علی محمد و آل محمد

رسول خدا (ص) در همه شکل‌های تمدن انسانی اعم از اخلاقی، علمی، معرفتی و عملی، تأثیری مثبت و عمیق بر جای گذاشت؛ فرستاده خدا محمد (ص) [همگان را] به یادگیری و طلب دانش و معرفت و نیز کار و تلاش تشویق کرد، و زمانی که مسلمانان به بخشی از گفته‌ها و مواردی که محمد (ص) بدان تشویق کردند عمل نمودند، برای انسانیت اختراعات بسیار بزرگی را به وجود آوردند که امروزه در کارخانه‌ها و ابزارهای الکترونیکی ما و بیمارستان‌هایمان و دیگر عرصه‌های زندگی وجود دارند...

سید احمد الحسن (ع) 25 نوامبر 2018 م

نسب سید احمد الحسن

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری (ع) می‌باشد. سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی (ع) می‌باشد که برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یحیی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله (ص) بشارت تولد ایشان را دادند؛ و فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی (ع) و حضرت ایلیا (ع) برای مسیحیان و یهودیان می‌باشد. ایشان دعوت الهی خود را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی (ع)، در سال ۱۹۹۹ میلادی در نصف شرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی (ع) همچون دعوت رسول الله (ص) به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می‌کنند؛ این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود: ۱) نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله (ص) را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است. ۲) علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده‌اند و با آن، همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده. ۳) پرچم البیعه لله «دعوت به حاکمیت خدا»

سردبیر

فرهنگ مهدوی

شاید در برهه‌ای از تاریخ شیعه باید بر سر این مطلب که آیا انتظار حکومت مهدوی از مقوله حالت است و یا عمل، بحث‌های زیادی صورت می‌گرفت اما در زمانه ما با مطالعه دقیق‌تر و فهم عمیق‌تر مباحث مهدوی اکنون واضح شده است که انتظار باوری، باور به عمل است و منتظری که در رفتار خود این عقیده را به ظهور نرساند باید در صداقت او تردید نمود چرا که دیگر اکنون همه به این سخن امام جواد رسیده‌اند که «أفضل أفعال شیعتینا انتظار الفرج». (کفایة الأثر، ص: 281) و انسان منتظر با انتظار فعال خود، فرایند ظهور را آماده می‌کند. باین حال دستیابی به بایسته‌های انتظار در عرصه‌های مختلف، نیازمند پژوهش‌های جدیدتری است تا انتظاری را که به اجمال درک کرده‌ایم در زمینه عمل، به تفصیل از آن آگاهی یابیم. یکی از عرصه‌های مهمی که در موضوع انتظار جایگاه مهمی دارد مقوله اخلاق است به گونه‌ای که حضرت امام صادق (ع) اخلاق‌مداری را از شروط اساسی برای احراز شایستگی قرار گرفتن در زمره اصحاب و پاران قائم آل محمد (ع) دانسته و می‌فرماید: «مَنْ سَرَهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَعْدِ وَ مَخَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ». (الغیبة (للعنعمانی)، ص: 200)

در آموزه‌های اهل بیت (ع) به ما رسیده است علت اصلی محرومیت ما از خورشید امامت حجت بن الحسن (ع) وجود نابسامانی‌های فردی و اجتماعی است که موجب رفتارهای غیردینی و غیرمنطقی شده است و همین امر بسان ابری تیره مانع از ظهور امام شده است. این نابسامانی همان چیزی است که ما از آن به بداخلاقی یا فقدان اخلاق تعبیر می‌کنیم که از بزرگ‌ترین موانع ظهور به شمار می‌آید.

با توجه به آنچه گذشت در اصل این مطلب که منتظران مهدی موعود (ع) در روند زمینه‌سازی ظهور باید متخلق به اخلاق نیکو شوند سخنی نیست اما نکته‌ای که شاید بسیاری از ما نسبت به آن غافل هستیم غفلت از حیطه‌ها و عرصه‌های اخلاقی است و همین بی‌توجهی موجب شده است تا اصلاحاتی که در زمینه اخلاق صورت می‌گیرد معمولاً ناقص و سطحی است چه اینکه برخی اخلاق را فقط به مسائل شخصی تنزل داده و برخی دیگر فقط آن را در زمینه روابط اجتماعی و آن‌هم در برخوردهای مناسب با دیگران خلاصه نموده‌اند.

نکته مهم دیگری که منتظران باید در زمینه توجه به سازندگی اخلاقی خود به آن توجه کنند نوع رویکرد به این مقوله است زیرا ما معتقدیم که سخن از اخلاق با هر رویکردی نمی‌تواند کارکرد مؤثری برای منتظران داشته باشد بلکه صحبت از چنین اخلاقی باید با رویکرد انتظارمحور و در راستای زمینه‌سازی ظهور تشریح شود؛ اهداف آن واکاوی شود و سپس راهکارهای دستیابی به این اهداف تبیین و در آخر نسبت به پی‌مودن این راه تا رسیدن به اهداف موردنظر متعهدانه تلاش شود؛ ما از چنین رویکردی در اخلاق، تعبیر به اخلاق منتظرانه یا اخلاق زمینه‌ساز تعبیر می‌کنیم که منظور از آن «وصاف و افعال اخلاقی است که مقدماتی ایجاد می‌کند تا شرایط فردی و اجتماعی برای تحمل ولایت معصوم و ظهور امام فراهم آید».

سَلِّ تَخْلَاقُ

در بوتق نقد قسمت دوم

مناقشه این سخن که خلافت و امامت یکی هستند برخی از متفکران اسلامی قائل به این هستند که خلافت و امامت معنی واحد دارند

ادامه مطلب در صفحه دوم

أبْنِ زَبْمَبْه

و تناقض افکار وی با قرآن

پیدا کردن مطالب ضد قرآنی در کتب محمد بن عبد الوهاب، کار زیاد مشکلی نیست؛ کافی است برای نمونه به صفحات ۸ و ۹ کتاب توحید این شخص مراجعه کنید؛ روایتی از معاذ بن جبل آورده که:

ادامه مطلب در صفحه چهارم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به مناسبت ولادت راوی وصیت رسول خدا (ص) صادر آل محمد (ص)

امامت ادامه طبیعی رسالت آسمانی، توسط پیامبر (ص) می‌باشد و به واسطه وصیت شب وفاتشان، بر این امت باقی گذارده شده است

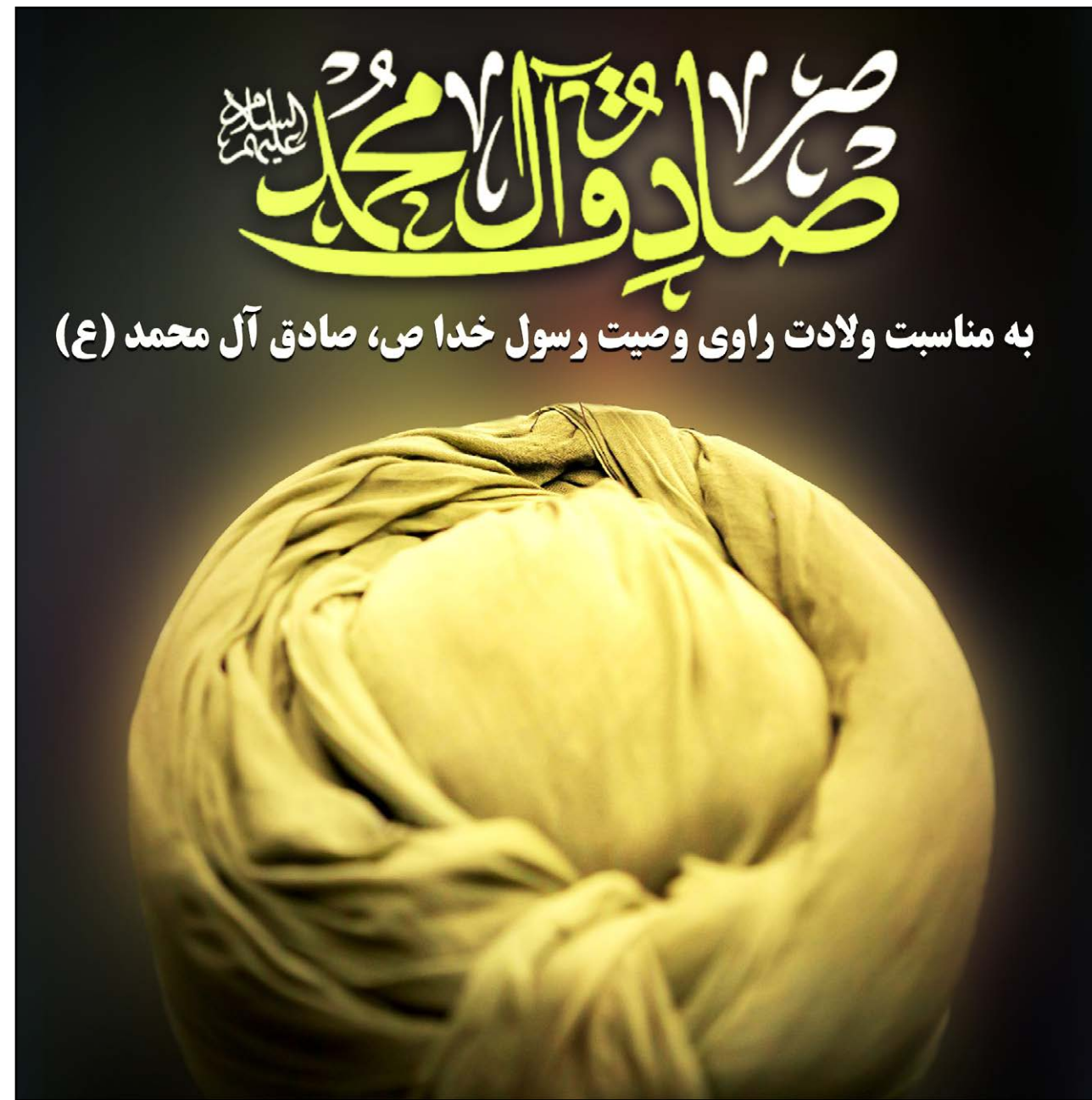
ادامه مطلب در صفحه دوم

منجی عالم بشریت در نهج البلاغه

آیا در نهج البلاغه به موضوع ظهور و منجی عالم بشریت، اشاره‌ای شده است؟

ادامه مطلب در صفحه سوم

می‌باشد. وصیتی که متمسک به آن به قطع و یقین از رستگاران خواهد بود و چهارچوبی است که امت اسلامی در صورت عمل به آن به عنوان یکی از مشخصات خلفای الهی است همان امتی خواهد شد که قرآن بدان وعده داده است «کنتم خیر امه اخرجت للناس». یعنی شکل‌گیری مدینه فاضله‌ای که قرن‌هاست که اهل بیت و پیامبران برای رساندن بشریت به آن جان‌فشانی‌های طاقت‌فرسایی کردند.



به مناسبت ولادت راوی وصیت رسول خدا؛ صادق آل محمد

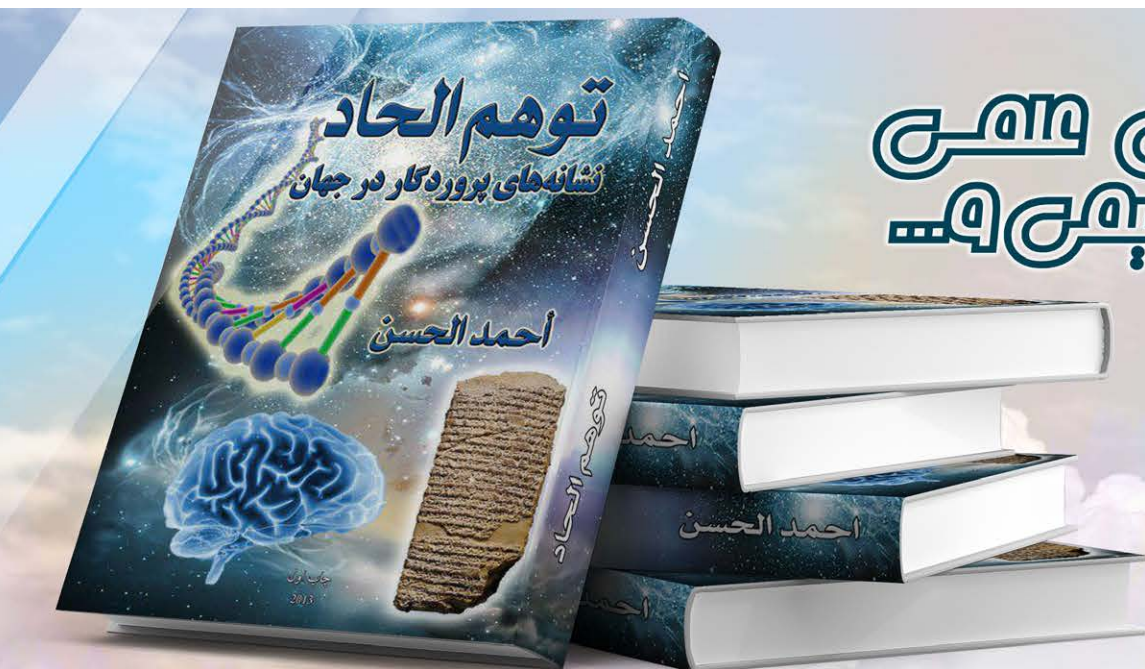
... سلسه ائمه اطهار «علیهم‌السلام» به‌مانند پیامبر جهت جلوگیری از انحراف امت از تعالیم سماوی در برهه‌های زمانی خاص خودشان موضع‌گیری‌های مناسبی با توجه به مقتضیات زمان به صیانت از این خط رسالتی پرداختند و در میدان‌های سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی چهارچوب همه مبارزاتشان مقوله پرچالش و مهم امامت و رهبری امت بود.

چراکه شناخت درست و درک عمیق این مقوله و عمل براساس تعالیم آن به قطع و یقین باعث می‌شود که امت اسلامی به درجات اعلای رشد و نمو عقلی و اعتقادی برسند و بدین‌سان جامعه‌ای خواهد شد که همه ارزش‌های اسلامی و انسانی در حد اعلای خود در آن نمود پیدا کرده و در همه زمینه‌ها ترقی خواهد کرد.

امام صادق (ع) مغز متفکر و روشنفکر جهان اسلام بعد از اینکه حکومت‌های نالایق و طاغوتی، مردم را به این سبب از اهل بیت و تعالیم آن‌ها دور کردند تا بتوانند چند صباحی حکومت‌داری کنند و در این میان مزدوران حکومتی توانستند با تحریف مفاهیم زیادی از تعالیم قرآن و سنت، مردم را متقاعد و تسلیم حکومت‌های جور کنند با یک انقلاب علمی که از پدران خود به ارث برده بودند چنان معادلات رایج و حاکم را برهم زدند که امروز مکتب تشیع وام‌دار آن جنبش علمی الهی حضرت امام صادق (ع) است. هنگامی که علمای مزدور مفاهیم اعتقادی را به نفع طبقه حاکم تفسیر و تأویل می‌کردند و روزبه‌روز از واقعیت‌ها دور می‌شدند، این امام صادق بود که مفاهیم اصیل اسلامی را حیاتی نو بخشید و مردم با اسلام اصیل از خلال حلقه‌های تدریس و مناظرات ایشان آشنا شدند. پاسخ به شبهاتی که سالیان سال مردم با آن‌ها خو گرفته و آن‌ها را از تعالیم اسلام می‌دانستند و برخی از آموزه‌های انحرافی که باعث مشروعیت بخشیدن به غاصبان خلافت اهل بیت شده بود با حضور ایشان و شاگردان برجسته‌ای چون هشام و مؤمن طاق و غیره عمق انحراف برای مردم بازگو شده و آموزه‌های ناب و اصیل اسلامی علی‌رغم همه سخت‌گیری‌ها و دشمنی‌ها کم‌کم بین مردم رواج پیدا کرد و مذهب تشیع، جعفری نام گرفت.

از افتخارات مکتب جعفری، تمسک به وصیت بازدارنده از گمراهی رسول مکرم اسلام حضرت ختمی مرتبت در شب وفاتشان است که تکلیف امت در قبال خلفای الهی را تا روز قیامت روشن کرده است و راه هرگونه عذر و حجتی را بسته است. امروز مکتب تشیع تنها میراث‌دار این گنج بی‌پایان هدایت می‌باشد که امام صادق رهبر این مکتب اصیل اسلام

مجله قرن کتابی مهم هول هم روز فتنه و شبی ه...



باید توجه داشت که امامت مقامی است که حضرت ابراهیم علیه‌السلام بعد از اینکه نبی بود بدان نائل آمد.

در بحث‌های آینده به این نکته خواهیم پرداخت که خلافت اسمی است که شامل نبوت، رسالت و امامت می‌شود و امامت مقامی والاتر از نبوت و رسالت است.



استخلاف در بوتۀ نقد

قسمت دوم:

... ابن‌خلدون در تاریخ خود در صفحه ۱۹۱ ج ۱ می‌گوید: «ما حقیقت این امر را بیان کردیم که خلافت، نیابت از صاحب‌شریعت در حفظ دین و سیاست دنیاست که خلافت و امامت نامیده می‌شود و قائم به آن را خلیفه و امام می‌نامیم؛ اما نام امام، تشابه آن به امام جماعت در پیروی و اقتدا به وی است و به همین خاطر گفته می‌شود امامت کبری و اما نام‌گذاری خلیفه به این نام چون جانشین پیامبر در میان امت است لذا گفته می‌شود خلیفه و خلیفه رسول خدا»

المآوردی در کتاب السلطانیات والولایات الدینیة ص ۱۵ می‌نویسد: «امامت، به خلافت نبوت در حراست از دین و سیاست دنیا اطلاق می‌گردد».

دکتر سمیع عاطف در کتاب نظام الاسلام ص ۴۸ می‌گوید: «خلافت: ریاست عامه مسلمین در دنیا جهت اقامه شریعت اسلامی و نشر دعوت اسلامی در کل جهان است که خود عین امامت است که با خلافت یک معنی دارد».

نویسنده عبدالقادر عوده در کتاب الاسلام و اوضاعنا السیاسیه ص ۸۲ می‌نویسد: «خلافت و امامت عظمی ریاست دولت اسلامی است بنابراین خلیفه یا امام اعظم ریاست اعلای دولت اسلامی را بر عهده دارد».

به امید پروردگار به‌صورت تفصیلی بحث اختلاف امامت با مقام نبوت و رسالت را مورد مناقشه قرار خواهیم داد. برای شناخت فرق میان امامت و نبوت بیان این آیه کافی است:

«وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره: ۱۲۴)

«و چون ابراهیم را پروردگار با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید [خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم [ابراهیم] پرسید از دودمانم [چطور] فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد»

در برترین جایگاه بهشتی منزل گرفت و از سوی خداوند به‌عنوان اسوهٔ مقاومت در میدان توحید معرفی شد.

در گروه دیگری از آیات قرآن، خداوند نسبت به کسانی که کار برجسته و درخور تقدیر انجام داده‌اند اظهار محبت می‌کند و از این رهگذر، دیگران را نیز به الگوبرداری از آنان فرا می‌خواند؛ مانند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره : ۵۹۱)، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره : ۲۲۲)، «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران : ۶۴۱)، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائده : ۲۴)، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه : ۴) و مانند آن.

اما عموم پیام‌آوران الهی در عالی‌ترین سطح، به‌عنوان الگوهای معصوم و ممتاز مورد عنایت الهی قرار دارند. خداوند متعال آنان را در میدان اعتقاد، عمل و اخلاق نیکو و معتدل، الگوهای نخبه‌ای به آدمیان معرفی فرموده که پیروی از آنان به‌طور قطع انسان را به سرمنزل سعادت خواهد رساند.

«أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ...» (انعام : ۰۹)

«اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن.»



المصطفی؛ گوهر صدف وجود

نگار دلپذیری که در حسن و ملاحات، گوی سبقت را از همگان ربود و چنان حق بندگی و آدمیت را گزارد که محرم راز نهفته آفرینش گشت و در حریم «قَابِ قَوْسَيْنِ أُولَئِی» سدره‌نشین آستان کبریایی شد، کسی جز شخصیت عظیم و بی‌نظیر عالم آفرینش، خاتم‌الانبیا حضرت محمد مصطفی علیه و علی آله افضل الصلوات و الثناء نیست که به عنوان «اسوهٔ برتر» برای همهٔ بشریت معرفی شده است :

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب : ۱۲)

«قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکوست : برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

آدمی، همواره در جستجوی قهرمان و اسوه‌ای است که او را سرمشق زندگی خویش قرار دهد و در موضوعی خاص یا به‌طور مطلق از او پیروی کند تا به سرمنزل مقصود برسد. در مباحث تعلیم‌وتربیت، یادگیری، روان‌شناسی، عرفان و مدیریت، الگوها از جایگاه بلندی برخوردارند و تأثیرگذاری آن‌ها هرگز قابل انکار نیست. اسلام، این مکتب درصدد تربیت نیز از این موضوع غفلت نکرده و الگوهای مفید را در سطوح مختلف ارائه داده است.

از مؤمنان وارسته و از عقاید و اخلاق و اعمال آنان به نیکی یاد می‌کند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم پیروان خود را به الگوبرداری از آنان فرا می‌خواند؛ مانند این آیه؛

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَصْنَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْخَوَارِیِّیْنَ مَنۡ أُنۡصَارِیۡ إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِیُّونَ نَحْنُ أُنۡصَارُ اللَّهِ». (صف : ۴۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید، همان‌گونه که عیسی‌بن‌مریم به خواریون گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟ خواریون گفتند: ما یاران خداایم.»

در مرحلهٔ بعد، کسانی را به‌عنوان مثل و نمونه معرفی می‌کند که از بینش، بصیرت، ایمان و تقوای بسیار بالایی برخوردار بودند و جا دارد که مؤمنان در هرزمانی همت خویش را به‌کار گیرند تا به چنان منزلتی نایل آیند. آسیه -همسر فرعون- یکی از آن نمونه‌هاست که قرآن درباره‌اش فرموده است:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِّی عِنۡدَكَ بَیۡتًا فِی الْجَنَّةِ وَتَجُنِّیۡ مِّنۡ فِرْعَوۡنَ وَعَمَلِهٖۤ اذۡنَبَیۡنِ مِنَ الْقَوۡمِ الظَّالِمِیۡنَ» (تحریم : ۱۱)

«و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده، آنگاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت برایم خانه‌ای بساز و از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان.»

آن بانوی قهرمان با نادیده گرفتن موقعیت ممتاز اجتماعی خود و گرویدن به آیین یکتاپرستی حضرت موسی (ع) هرگونه شکنجه و درنهایت قتل را با جان‌ودل پذیرا شد و به‌منزلت شهادت بار یافت و به‌طور مستقیم با خدای خویش به راز و نیاز پرداخت و

منجی عالم بشریت در نهج‌البلاغه

کتاب نهج‌البلاغه دربرگیرنده سخنان حضرت امام علی (ع) در زمینه‌های مختلف است. مطالب متعددی در نهج‌البلاغه وجود دارد که برخی از آن‌ها مربوط به امام مهدی (ع) است:

۱- در خطبه ۱۸۲ آمده است: «زرة حکمت و دانش بر تن دارد، و آن را با تمامی آداب، و با توجه و معرفت کامل، فراگرفته است. حکمت گمشدهٔ اوست که همواره در جست‌وجوی آن است و نیاز اوست که آن را طلب می‌کند. او غریب است در آن زمانی که اسلام چون شتری خسته که دم بر زمین گذاشته و سینه بر آن نهاده دچار غربت است. او باقی‌مانده حجت‌های الهی، و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است.»(۱)

این جملات اشارهٔ صریحی به موعود آخرالزمان حضرت امام مهدی (ع) دارد.(۲) ابن ابی الحدید نیز در شرح آن می‌گوید: «شیعیان معتقدند که منظور امام علی (ع) از این سخنان، حضرت مهدی منتظر است... بعید نیست منظور او همان قائم آل محمد باشد که در آخرالزمان قیام می‌کند.»(۳)

۲- خطبه ۱۵۰: «بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی «ع») که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشنگر در آن گام می‌نهد، و بر جای پای صالحان گام نهد (بر همان سیره و روش پیامبر (ص) و امامان (ع) رفتار می‌کند) تا گروه‌ها را بگشاید، بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد سازد، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده و حق‌جویان پراکنده را جمع‌آوری می‌کند. حضرت مهدی (ع) سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد، آن‌چنان‌که اثر شناسان، اثر قدمش را نمی‌شناسند، اگرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند. سپس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آماده می‌گردند، و چنان شمشیرها صیقل می‌خورند، دیده‌هایشان با قرآن روشنایی گیرد، و در گوش‌هایشان تفسیر قرآن طنین افکند، و در صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت سر می‌کشند.»(۴)

به نظر می‌رسد که همین دو مورد را می‌توان مخصوص امام مهدی (ع) دانست.

لازم به ذکر است که سخنان دیگر از امام علی (ع) دربارهٔ امام زمان (ع) نقل‌شده است که در نهج‌البلاغه نیامده و باید در کتاب‌های دیگر، به جست‌وجوی آن پرداخت. برای نمونه؛ می‌توان به این جمله اشاره کرد: «بابی ابن خیرة الإمام...»(۵) «پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزها...».

پی‌نوشت‌ها:

۱- «قَدْ لَیْسَ لِلحِکْمَةِ جُنَّتُهَا وَ أَخَذَهَا بِحَمِیۡعِ اَدْبَہَا مِنَ الْاِقْبَالِ عَلَیْہَا وَ الْمَعْرِفَةِ بِہَا وَ التَّفَرُّغِ لَہَا فَہِیَ عِنۡدَ نَفْسِہِ ضَالَّتِہُ الَّتِی یَطْلُبُہَا وَ حَاجَتِہُ الَّتِی یَسْأَلُ عَنْہَا فَہُوَ مُعْتَرِبٌ اِذَا اغْتَرَبَ الْاِسْلَامُ وَ ضَرَبَ بِعَیۡسِیۡ ذَنۡبِہُ وَ اَلۡصَقَ الْاَرۡضَ بِجِزَانِہِ بَقِیَّۃً مِّنۡ بَقَاِیَا حِجَّتِہِ خَلِیۡفَۃً مِّنۡ خَلَآئِفِ اَنْبِیَآئِہِ». شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، محقق: صبحی صالح، ص ۲۶۳، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

۲- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغه، محقق، مصحح، میانجی، ابراهیم، ج ۱۰، ص ۳۵۰، مکتبة الاسلامیة، تهران، چهارم، ۱۴۰۰ ق.

۳- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن ہبہ الله، شرح نهج‌البلاغه، محقق، مصحح، ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۱۰، ص ۹۶، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۴- «أَلَا وَ إِنَّ مِّنۡ أَدْرَکَہَا مِنَّا یَسْرِی فِیہَا بِسِرَاجٍ مُّنِیر وَ یَحْذُو فِیہَا عَلَی مِثَالِ الصَّالِحِیۡنَ لِیَحُلَّ فِیہَا رُبْقًا وَ یُعْقِبَ فِیہَا رِقًا وَ یَصۡدَعُ شَعْبًا وَ یَشَعَبُ صَدَعًا فِی سُرۡرَۃٍ عَنِ النَّاسِ لَا یُبۡصِرُ الْقَآئِفُ اَثَرُہُ وَ لَوۡ تَابَعَ نَظَرُہُ ثُمَّ لَیُسۡخِذَنَّ فِیہَا قَوۡمٌ شَحَذَ الْقَیۡنِ النَّصْلُ تَحُلٰی بِالتَّنۡزِیۡلِ اَبۡصَارُہُمۡ وَ یُرۡمٰی بِالتَّفۡسِیۡرِ فِی مَسَامِعِہِمۡ وَ یُعۡبَقُونَ کَاسَ الحِکْمَةِ بَعۡدَ الصُّبۡحِ»؛ نهج‌البلاغه، ص ۲۰۸؛ شرح نهج‌البلاغه (ابن ابی الحدید)، ج ۹، ص ۱۲۷.

۵- شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید)، ج ۷، ص ۵۹؛ ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الغارات أو الإستنفار و الغارات، محقق، مصحح، محدث، جلال الدین، ج ۱، ص ۱۲، انجمن آثار ملی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق؛ ابن ابی زینب (نعمانی)، محمد بن ابراهیم، الغيبة، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ص ۲۲۸، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.



ابن تیمیه و تناقض افکار وی با قرآن

... كنت رديف النبي -صلى الله عليه وسلم- على حمار فقال لي: «يا معاذ، أتدري ما حق الله على العباد، وحق العباد على الله؟» قلت: الله ورسوله أعلم، قال «حق الله على العباد أن يعبدوه ولا يشرکوا به شيئاً وحق العباد على الله أن لا يعذب من لا يشرک به شيئاً» قلت: «يا رسول الله أفلا تبشر الناس؟ قال: لا تبشروهم فيتكلوا».

معاذ می گوید: من پشت سر رسول خدا، سوار بر مرکب ایشان بودم که فرمود: «ای معاذ! می دانی حق خدا بر بندگان و حق بندگان بر خدا چیست؟ گفتیم: الله و رسولش بهتر می دانند. فرمود: حق خدا بر بندگان این است که او را بپرستند و با او چیزی را شریک نسازند و حق بندگان، بر خدا این است که عذاب ندهد کسی را که با او چیزی را شریک نگرفته است.

گفتم: ای رسول خدا، آیا مردم را به این، بشارت ندهم؟ فرمود: خیر. زیرا بر همین اکتفا می کنند (و دیگر کار خیر و عمل صالحی انجام نمی دهند)».

تضاد این مطلب محمد بن عبدالوهاب با قرآن:

۱- می گوید: حق بندگان، بر خدا این است که عذاب ندهد کسی را که با او چیزی را شریک نگرفته است. این خلاف صریح قرآن هست. زیرا قرآن در سوره بقره آیه ۲۵ می فرماید: «بعد از اینکه مردم ایمان آوردند، باید عمل صالح داشته باشند، تا وارد بهشت بشوند».

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» ... به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغ هایی از بهشت برای آن هاست که نهرها از زیر درختانش جاری است...» (بقره: ۲۵)

۲- معاذ می گوید: به رسول خدا (ص) گفتم: ای رسول خدا، آیا مردم را به این، بشارت ندهم؟ فرمود: خیر. این بشارت را به مردم ندهید! این نیز خلاف قرآن هست... آنجا که می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...» «و ما تو را جز بشارت دهنده و هشدار دهنده برای تمام مردم، نفرستادیم» (سبا: ۲۸)

۳- معاذ می گوید: گفتم: ای رسول خدا، آیا این را به مردم بگویم: فرمود: خیر، نگو... این نیز خلاف قرآن است. چون قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» «ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سویی تو نازل شده، ابلاغ کن و به مردم بگو».

۴- پیامبر (ص) (در این چیزی که محمد بن عبدالوهاب گفته) می فرماید: این پیام و این خبر را به مردم نرسان و به آنان نگو، یعنی پیامبر (ص) خواسته کتمان کند آنچه را که خدا به او وحی کرده که به مردم برساند! این هم خلاف قرآن هست. زیرا قرآن می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أُنْزِلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» «کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آن ها را لعنت می کند» (بقره: ۱۵۹)

۵- در اینجا، پیامبر (ص) به معاذ فرموده: ای معاذ، به مردم نگو... اما معاذ آمده و گفته: آهای

پروانه ها همیشه به سوی نور حرکت می کنند، اما اگر قوای بصری او از بین برود، به تاریکی پناه می آورد؛ و انسان نیز همینگونه است و پیامبران و انبیا، دلیل بسیار روشن از جانب خدا برای مردم آورده و سعی می کنند، حجاب ها را از مقابل چشمانشان کنار زنند و سپس او را تنها می گذارند تا به تنهایی، آینده اش را انتخاب کند، یا چشمانش را بگشاید و به سوی نور رود و یا چشمانش را ببندد و به درون پوست تیره تاریک خود فرو رود: (جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اشْتِكَبَارًا) (انگشتانشان را در گوشهایشان کردند و ردای خویشان بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر بر کبر خود افزودند) (نوح: ۷/ روشنگری هایی از دعوت های فرستادگان، جلد اول)



منابع رسمی دعوت مبارک یمانیت موعود، سید احمد الحسن

سایت مؤسسه وارثین ملکوت

VARESIN.ORG

ارتباط با ما

@ZAMANE_ZOHOUR

صفحه رسمی فیس بوک سید احمد الحسن

/AHMED.ALHASAN.10313

سایت رسمی فارسی

ALMAHDYOON.CO

سایت هفته نامه زمان ظهور

ZAMANEZOHOUR.COM

کانال تلگرام هفته نامه زمان ظهور

@ZAMAN_ZOHOUR

